



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۱/۱۵

نگارگر

من بیچاره هرگز با زبان دیپلوماسی آشنایی ندارم

من بیچاره هرگز با زبان دیپلوماسی آشنایی ندارم و به همین دلیل تا مجبور نشوم نمیخواهم در لانه گزدم سیاست انگشت فرو بیرم زیرا بزرگان ما می گفتند که "گپ نر گره ندارد!" اما من به تجربه در یافته ام که زبان سیاست و دیپلوماسی همیشه کره نی که گره ها دارد و فهم آن از عهده فیل نیز بر نمی آید. به طور مثال جناب حامد کرزی رئیس جمهور سابق بیش از بیست بار به پاکستان سفر های حسن نیت انجام داد و هربار نیز مدارای های سیاست پاکستان جیب هایش را با همان نُقل های چوبی مشهور خود پُر کردند و او هم هر بار امیدوار برگشت ولی در عمل همان خَرک بود و همان دَرک یعنی نه تنها امنیت افغانستان به کوشش پاکستان تأمین نشد که حملات پاکستان نیز بر کُنر و گوشته ادامه یافت و آن بیچاره یعنی جناب کرزی به عنوان گله هم به پاکستان گفته نتوانست که همسایه عزیز توکه با ما سر یاری داری دیگر این راکت پرانی های دشمنانه به سوی دیار ما برای چیست؟

وقتی جناب اشرف غنی را به سوی پاکستان دعوت کردند من در یکی از یادداشت های قبلی خدمت شان عرض کردم که مواظب این گرگ باران دیده باشد و همانند سلف خود به وعده های خشک و خالی قانع نشود و با صراحت لهجه ماجرای لال مسجد و آن دوبرادر یعنی مولوی عبدالعزیز و مولوی عبدالرشید و دخترانی را که در زیرزمینی های لال مسجد به نام تعلیمات دینی از مدرسه حفصه تعلیمات نظامی گرفته بودند بر ضداردوی پاکستان ماشیندار می چلانند به یاد نواز شریف بدهد و بگوید که آتشی که پاکستان در افغانستان افروخته است دودش چشم پاکستان را نیز کور می سازد.

به هر صورت جناب رئیس جمهور پاکستان رفت و من هنگامی که تصویر او را در کنار میا نواز شریف که فرزند خوانده دکتاتور سابق پاکستان ضیاءالحق بود دیدم، آن تصویر همه چیز را پوست کنده نشان داد: آن نگاه نواز شریف به سوی جناب غنی و آن لبخند او که بی شباهت به لبخند گربه عابد مرحوم عبید زاکانی نبود همه چیز را برابیم آشکارا گفت که رهبران پاکستان هنوز هم رهبران افغانستان را جدی نمیگیرند و رابطه شان با رهبران افغانستان همان رابطه نوکر و بادار است و حالا ببینیم که دستاورد جناب غنی از این سفر چیست؟

جناب ممنون حسین رئیس جمهور بی صلاحیت پاکستان به او می گوید: "پاکستان از روند صلح به رهبری افغانها همیشه پشتیبانی کرده است!" خوب اگر آن حلیه دیپلماتیک را از پیکر این گفته او بیرون آریم و به اصطلاح بیخ پلوانی خود "گپ نر را بدون گره بگویم" این همان نُقل چوبی نیست که جیب جناب کرزی را نیز بان پُر کرده بودند؟ حرف دل پاکستان این است که شما رهبران اصلی افغانستان نیستید و اگر امریکا اشتباه تجاوز بر افغانستان را بپذیرد و با طالبان مستقیماً وارد مذاکره شود یا مثل مذاکرات ژنیو همانند روسها با قیم طالبان یعنی پاکستان مذاکره

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: د لیکني د لیکنيزي بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

کند تنها همین کار روند صلح به رهبری افغانها خواهد بود و پاکستان از یک چنین مذاکرات پشتیبانی خواهد کرد! برای پاکستان انتخابات و این چیزها دیگر در افغانستان معنی ندارد.

و اما جالب این است که تروریسم را هر دو کشور "دشمن" مشترک خود میخوانند و این تروریسم لعنتی آن شیخ نا مرئی است که برای هیچ کدام قیافه مشخص و ملموس ندارد. جناب غنی نمی پرسد که آیا بم گذاری های انتحاری در افغانستان و سوختاندن مکاتب و تخریب تأسیسات اقتصادی در چوب خط تروریسم به حساب می آید یا نه؟ و آیا تحمیل اراده خود با زور بر یک ملت را می توان تروریسم خواند یا خیر؟ و باز چه عوامل وجود دارد که این دو کشور با اراده محکمی که در مبارزه بر ضد تروریسم دارند بر این دشمن مشترک غلبه نمی کنند؟ ملاله یوسفزی برای ما شاهدهی می دهد که اردوی پاکستان ملا فضل الله رهبر طالبان سوات را مجبور می سازد که از سوات به گنر فرار کند ولی دستگیرش نمی کند تا هر دو کشور از شر او مصون گردند. (مراجعه شود به کتاب ملاله یوسفزی) وقتی مولانا فضل الرحمان به جناب غنی می گوید که "تا وقتی نیروهای خارجی در افغانستان وجود دارند ما از مقاومت در برابر خارجی ها حمایت می کنیم" اصل مقصود پاکستان را برایش می گوید ولی جناب غنی به عنوان یک سیاستمدار خبیره نمیتواند دست نواز شریف را به گردن فضل الرحمان بیندازد و از این مولانای رشوه ستان که از بینظیر، مشرف و بالاخره امریکا به شهادت مطبوعات پاکستان دالر وزمین گرفته است نمی پرسد که آیا از قیام طالبان پاکستانی نیز بر ضد دولت پاکستان حمایت می کند؟ و اما قسمت جالب دستاورد این سفر این است که میزان تجارت هر دو کشور از دو ونیم میلیارد دالریه پنج میلیارد دالر بالا خواهد رفت. حالا کیست به من کند ذهن بفهماند که صادرات ما به پاکستان افزایش خواهد یافت و ما را تا حدی از تولیدات پاکستانی بی نیاز خواهد ساخت یا باز هم این روباه مکار آنجا نخواهد خفت که او را آب ببرد بلکه صادرات پاکستان افزایش خواهد یافت و بدین ترتیب سیاست اقتصاد ملی که جناب غنی مبلغ آن است به دست پاکستان دود خواهد شد و به هوا خواهد رفت. مسأله این نیست که صادرات دیگران در کشور ما افزایش یابد بلکه این است که ما برای تولیدات خود بازارهای خارجی پیدا کنیم و اما اینکه اردوی افغانستان را پاکستان تربیه کند من فقط همین قدر می گویم که:

"مرا زخیر تو امید نیست شر مرسان!" والله اعلم بالصواب 15 نومبر 2014 برمنگهم نگارگر